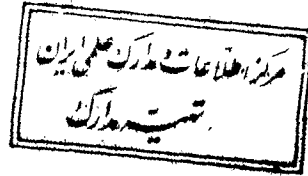


نمبره این پایان نامه (نورده) دهم از دست
استاد
نورده

دانشگاه فردوسی مشهد
دانشکده ادبیات و علوم انسانی



۷۱، ۱۱، ۱۳
رضا زمردیان
۷۱، ۱۱، ۱۳

پایان نامه
کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی

موضوع:

فرهنگ زبان شناسی کاربردی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر نادر جهانگیری

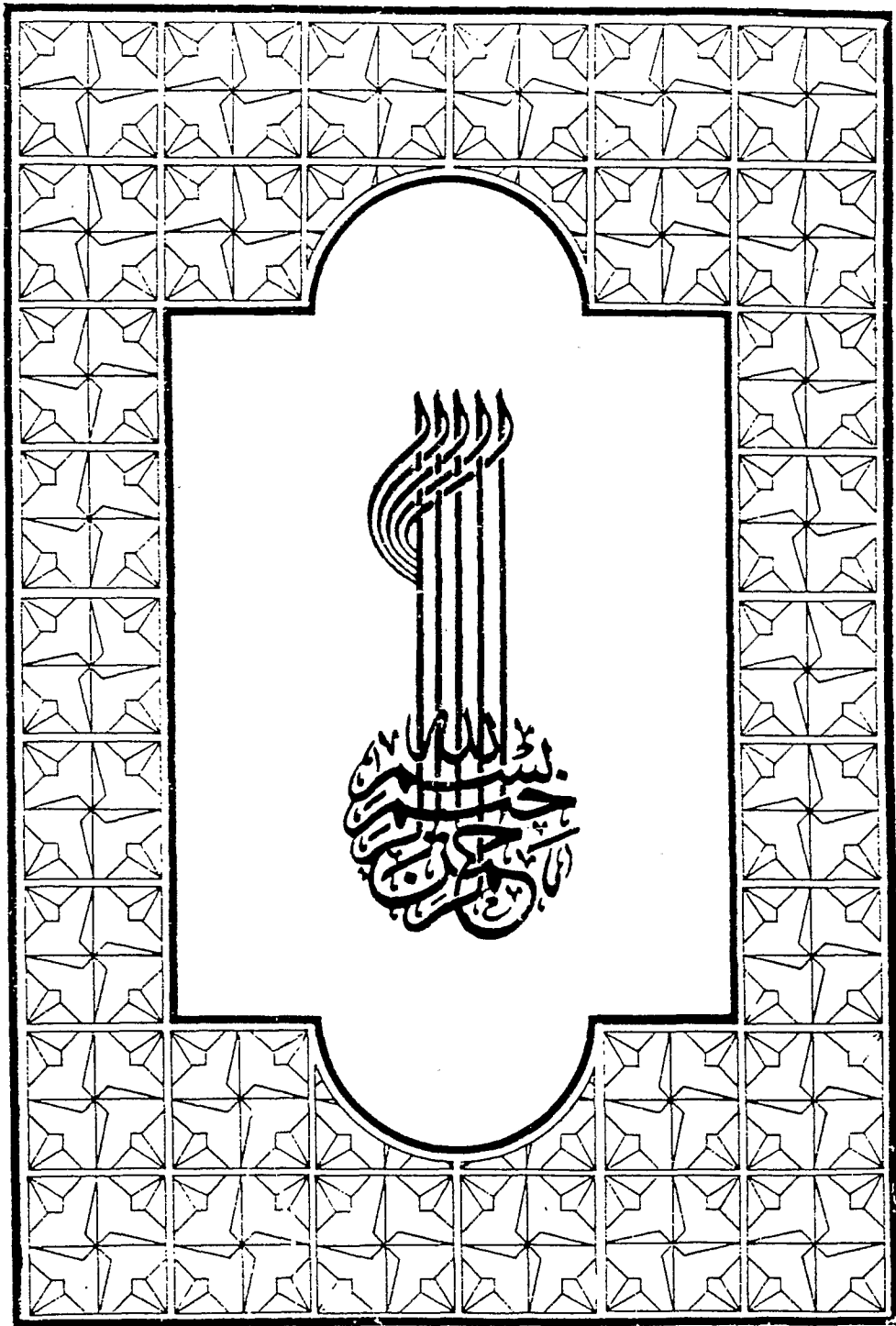
استاد مشاور:
جناب آقای دکتر رضا زمردیان

نگارش:

ابراهیم بدخشان

بهمن ماه ۱۳۷۱

۴۷۷۱۵



تقديم به :

اساتيد محترم و دانشمند گروه زبا نشناسی دانشگاه فردوسی مشهد :

جناب آقای دکتر نسا درجها نگیری
جناب آقای دکتر رضا زمرديان
جناب آقای دکتر مهدي مشکوة الدينی
جناب آقای دکتر محمد مستأجر حقیقی

راهنمای استفاده از فرهنگ :

واژه مربوطه

تلفظ

افزاد کلام

معادل فارسی

معادل با کاربرد کمتر

اصطلاحی که در درون مدخل توضیح داده شده اند.

مدخلها بی وابستگی دیگر که مراجعه به آنها ممکن است مفید باشد.

همچنین رجوع کنید به تلفظ با صورت آمریکایی بعد از علامت //

همچنین رک

تجزیه و تحلیل مقابله‌ای

علامت اختصاری برای اصطلاح

همچنین

روشی در تجزیه و تحلیل زبانی که شباهتها و تفاوت‌های بین دو یا چند زبان یا لهجه را نشان میدهد با این هدف که اصولی بیابید تا بتوانند در

aphasia /əfeɪzə/ n
 aphasic /ə'feɪzɪk/ [ad]
 also dysphasia
 زبان پریشی
 همچنین
 عدم توانایی در یک زبانی و این زبان که معمولاً در اثر ضربه مغزی بوجود می‌آید. این نتیجه ممکن است کلی یا جزئی باشد و ممکن است توانایی گفتاری یا نوشتاری و یا هر دو را تحت تاثیر قرار دهد و زبان پریشی انواع مختلف دارد: ناتوانی در نوشتن، ناتوانی در خواندن، اسم پریشی (alexia) که کاربرد صحیح اسمها، دست‌نویس‌ها، شکل در کاربردواژه‌های دستوری مانند حرف اضافه و حرف تعریف است.

agraphia
 ناتوانی در نوشتن، ناتوانی در خواندن، اسم پریشی (alexia) که کاربرد صحیح اسمها، دست‌نویس‌ها، شکل در کاربردواژه‌های دستوری مانند حرف اضافه و حرف تعریف است.

alexia
 شکل در کاربردواژه‌های دستوری مانند حرف اضافه و حرف تعریف است.

BRAIN NEURULINGUSTICS
 همچنین رک

Contrastive analysis /kən'trɑ:stɪv ən'leɪzɪs//-'træ/n
 تجزیه و تحلیل مقابله‌ای

CA
 علامت اختصاری برای اصطلاح

مشکلات عملی آموزش زبان ترجمه‌یکاربرد یا ناکند
 خاص برای استقلال تداخل و برابرها، تحلیل مقابله‌ای
 در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان کاربرد زبان -

اصطلاحی که در مدخل
 خودش (بر طبق ترتیب
 الفبایی) توضیح داده
 شده

شناسی ساختاری **STRUCTURAL LINGUISTICS**

در آموزش زبان توسعه یافت و یکا رگرفته شده تحلیل
 مقابله‌ای بر مبنای فرضیات زیر است :

درس‌نامه‌های اخیر تحلیل مقابله‌ای در جنبه‌های
 دیگر زبان نیز یکا رگرفته شده، مثلاً نظام گفتار
 (رک *DISCOURSE ANALYSIS*) و *contrastive discourse* تحلیل مقابله‌ای
 گفتار می نامند.

همچنین رک *COMPARATIVE LINGUISTICS*

(مب) **Lado 1957; James, 1980**

کتابهایی که
 میتوان اطلاعات
 و مباحث بیشتری
 در آنها یافت
 مپ = مطالعه
 بیشتر.

مدخل برای اصطلاحی
 با کاربرد کمتر

dyphasia / disferza / n

اصطلاحی دیگر برای *APHASIA*

مدخل برای علامت
 اختصاری

علامت اختصاری برای *CA/ Si: eI/n*

مدخل برای اصطلاحی
 که در جای دیگر
 توصیف شده.

CONTRASTIVE ANALYSIS

agrammatism/ gr m tIz m/n

رک *APHASIA*

CONSONANTS

<u>SYMBOL</u>	<u>KEY WORD</u>
b	<u>back</u>
d	<u>day</u>
ð	<u>then</u>
dʒ	<u>jump</u>
f	<u>few</u>
g	<u>gay</u>
h	<u>hot</u>
j	<u>yet</u>
k	<u>key</u>
l	<u>led</u>
m	<u>sum</u>
n	<u>sun</u>
ŋ	<u>sung</u>
p	<u>pen</u>
r	<u>red</u>
s	<u>soon</u>
ʃ	<u>fishing</u>
t	<u>tea</u>
tʃ	<u>cheer</u>
θ	<u>thing</u>
v	<u>view</u>
w	<u>wet</u>
z	<u>zero</u>
ʒ	<u>pleasure</u>

VOWELS

<u>SYMBOL</u>	<u>KEY WORD</u>
æ	<u>bad</u>
ɑ:	<u>farm</u> AmE
ɒ	<u>pot</u> Br.E
a	<u>bite</u>
ɑv	<u>now</u>
ɑɪə	<u>tire</u>
ɑvə	<u>tower</u>
ɔ:r	<u>form</u> AmE
ɔ:	<u>caught</u>
ɔɪ	<u>boy</u>
ɔɪə	<u>employer</u>
e	<u>bed</u>
eə	<u>there</u>
eɪ	<u>make</u>
eɪə	<u>player</u>
ə	<u>about</u>
əv	<u>note</u>
əvə	<u>lower</u>
ɜ	<u>bird</u> AmE
ɜ:	<u>bird</u>
ɪ	<u>pretty</u>
i:	<u>sheep</u>
ɪə	<u>here</u>
u:	<u>boot</u>
ʊ	<u>put</u>
ʊə	<u>poor</u>
ʌ	<u>cut</u>

مقدمه :

واژگان هر رشته‌ای از دانش و فن سهم بسزا و انکارناپذیری در گسترش و تفهیم و تفاهم آن دانشیان دارد، زیرا که این واژگان به منزله ابزاری کارآمد، در اختیار دست اندرکاران آن رشته می‌باشد. پیشرفت سریع علم زبان شناسی نیز منتج به پدید آمدن شمار زیادی واژه‌های رشته گشته است. در چند دهه اخیر رشد این واژگان در شاخه‌های مختلف این علم به ویژه در زبان شناسی کاربردی و علم آموزش زبان به گونه‌ای چشمگیر بوده است. با این وجود با توجه به نیاز مبرم دانشجویان رشته‌های آموزش زبان، زبان شناسی و رشته‌های وابسته به آن برای معادل‌یابی و توصیف این واژگان که رشدی روزافزون پیدا کرده‌اند، اقدامی اساسی صورت نپذیرفته است. لذا دلایل مذکور به تنهایی کافی بود تا زمینه‌ساز تلاش در جهت تدوین این فرهنگ باشد. پس از پیشنهاد این موضوع به عنوان رساله تحصیلی ام موافقت استاد راهنمای محترم جناب آقای دکتر نادر جهانگیری با علاقه وافر کار خود را به شیوه‌ای که بیان خواهد شد آغاز نمودم. برای تهیه این فرهنگ از سه فرهنگ معروف زبان شناسی و زبان شناسی کاربردی با عناوین زیر استفاذه نموده‌ام.

1-Longman Dictionary of Applied linguistics Jack Richards,

John Platt, Heidi Weber

2-Dictionary of Linguistics and Phonetics Davied Crystal

3-Dictionary of language and Linguistics R.R.K. Hartmann;

F.C. Strok

Longman شیوه‌کاربردین صورت بود که اولین فرهنگ یعنی

Dictionary of Applied linguistics را به عنوان پایه در

نظر گرفته و نحوه ارائه و ازگان و ترتیب الفبایی آنرا حفظ نموده و سپس با مراجعه به دو فرهنگ دیگر و مقایسه تعاریف آنها در نهایت سعی شده که تعریفی جامع از مجموع سه فرهنگ بدست داده شود. درموردی توصیف ارائه شده از فرهنگ گرفته شده، در برخی موارد از دو فرهنگ و گاهی نیز تنها از فرهنگی - که کمترین توصیف را ارائه نمود، استفاده شده است. لازم به یادآوری است که اصطلاحات مربوط به آموزش زبان^۱ و آزمونگری^۲ به دلیل موجود نبودن در دو فرهنگ دیگر، مگر در موارد معدود، صرفاً "از فرهنگ لانگمن گرفته شده اند. اصطلاحاتی که در این فرهنگ ارائه شده شامل مهمترین اصطلاحات در آموزش زبان *LANGUAGE TEACHING*، زبان شناسی *LINGUISTICS*، دستور زبان *GRAMMAR*، آواشناسی *PHONETICS* و واج شناسی *PHONOLOGY*، معنا شناسی *SEMANTICS*، زبان شناسی اجتماعی *SOCIOLINGUISTICS*، روان شناسی زبان *PSYCHOLINGUISTICS* و آزمونگری زبان *LANGUAGE TESTING* می باشد.

محدوده فرهنگ :

این فرهنگ برای افرادی نوشته شده که در زبان شناسی زمینه‌های زیادی ندارند و نیز زبان مادریشان فارسی است یا فارسی زبان دوم آنها است. اکثر مثالها از زبان انگلیسی گرفته شده با این وجود فرهنگ قابل استفاده برای کسانی که زبانهای دیگر را مطالعه می کنند نیز می باشد. اگرچه مخاطبین این فرهنگ صرفاً "افراد متخصص در زبان شناسی کاربردی نیست، اما این افراد نیز درموردی که آشنائی کمتر دارند، ممکن است آنرا سودمند ببینند.

1. language teaching

2. testing

APPLIED LINGUISTICS در این فرهنگ زبان شناسی کاربردی

اشاره به زبان شناسی کاربردی در آموزش زبان دارد و در برگزیده
کاربردهای وسیعتر مطالعه زبان در زمینه‌هایی مانند پزشکی، حقوق،^۱
سیک‌شناسی،^۲ برنامهریزی زبانی^۳ و تهیه فرهنگ زبان نیست.^۴

زبان شناسی کاربردی امروزه حداقل سه استفاده عمده دارد
(۱) مطالعه آموزش و یادگیری زبان (۲) کاربرد مطالعه زبان در هر
زمینه‌ای که جنبه عملی داشته باشد، (۳) برای اشاره به کاربردهای
زبان شناسی نظری. با این وجود در کاربرد عمومی این اصطلاح اشاره به
مطالعه آموزش و یادگیری زبان دارد. بسیاری از دانشجویان رشته
آموزش زبان موفق به اخذ مدرک در زبان شناسی کاربردی می‌شوند که در
گروه‌هایی با همین اسم آموزش داده میشوند. و در همین مفهوم است که این
اصطلاح در این کتاب بکار رفته است.

محتوی و موضوع زبان شناسی کاربردی در آموزش و یادگیری
زبان عموماً شامل موارد مورد مطالعه زیرا است که در این فرهنگ گنجانده
شده است:

- ۱۰ - زبان شناسی مقدماتی، شامل واج‌شناسی، آواشناسی، نحو،^{۱۱}
- تکواژشناسی^{۱۲} و معناشناسی^{۱۳}
- ۱۴ - دستور زبان انگلیسی

1. medicine

3. Stylistics

5. dictionary compilation

7. theoretical linguistics

9. phonology

11. syntax

13. semantics

2. Law

4. Language Planning

6. application

8. introductory linguistics

10. phonetics

12. morphology

14. English grammar

۱ - تحلیل گفتمان

۲ - زبان شناسی اجتماعی که شامل جامعه‌شناسی زبان و توانش ارتباطی است . .

۳ - روان شناسی زبان ، شامل فراگیری زبان اول و دوم ، تحلیل مقابله‌ای ، تحلیل خطاها و فرضیه‌های یادگیری . .

۴ - آموزش شنیدن ، حرف زدن ، خواندن و نوشتن .

۵ - روش شناسی آموزش زبان که شامل روش‌ها ، طراحی برنامه

درسی و دوره آموزشی است . .

۶ - آزمونگری و آما ربنیادی

در خاتمه زاسا تید محترم گروه زبان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

آقایان دکتر رضا زمردیان ، دکتر محمد مستاجر حقیقی ، دکتر مهدی شکوه -

الدینی که در طول دوران تحصیل خود و نیز در تهیه این فرهنگ از ایشان

نهایت بهره را برده ام و خصوصا " دکترنا درجه‌نگیری که این پایان نامه

را زیر نظر مستقیم ایشان به پایان رسانده و راهنماییها و نظرات ایشان

کمال استفاده را نموده ام ، نهایت قدردانی و سپاسگذاری خود را ابراز

مسی دارم . .

1. discourse analysis

2. communicative competence

3. contrastive analysis

4. error analysis

5. methodology

6. methods

7. testing

8. basic statistics



abstract noun / ʌbstrækt nɑːm/n

CONCRETE NOUN

رک

accent¹ / ˈæksənt // ˈæksent / n

الف (مشخصه آوایی نسبتاً " بالای تکیه^۱، زیروبمی^۲، کشش^۳،
 همچنین تاکید^۴ بیشتر روی یک هجا بطوریکه زها های دیگر در یک کلمه
 با رزتر باشد. مثلاً " در انگلیسی اسم 'import' تکیه اش روی اولین هجا -
 'im- است، در حالیکه فعل 'import' تکیه اش بر روی دومین هجا -
 -part می باشد؛

This car is a foreign import .

We import all our coffee.

PROMINANCE

همچنین رک

Gimson 1980; Wells 1982

(م ب)

(لانگ، هارت)

accent n

لحن

در صورت نوشتاری برخی از زبانها، بویژه فرانسه، نشانه ای است
 که روی مصوت گذاشته می شود. لحن ممکن است :

الف (تفاوت در تلفظ را نشان دهد) رک (DIACRITIC)

به عنوان مثال در فرانسه کلمه "Près" "مرغذارها" ، با

acute accent روی e نمایانگر تلفظ مصوت متفاوتی از مصوت کلمه

"Près" نزدیک " با grave accent است .

ب (تمایز در معنی را بدون هرگونه تغییری در تلفظ نشان دهد،

مثلاً، "ou" در فرانسه به معنی "یا" ، و "où" به معنی "گجا" .

(لانگ)

1. stress

2. pitch

3. duration

4. emphasis

accent ³ n

طرز خاصی از صحبت کردن سابقه^۱ (طبقه اجتماعی، میزان تحصیلات منطقه جغرافیایی ...). گویند. را به شنونده نشان می دهد. تلفظ یک شخص ممکن است نمایانگر موارد زیر باشد:

- الف (منطقه یا کشور و، مثلا: لهجه شمالی، لهجه آمریکایی .
- ب (طبقه اجتماعی او، مثلا: لهجه طبقه متوسط پایین^۲
- ج (آیا این زبان، زبان مادری گوینده است یا خیر، مثلا " او انگلیسی را با لهجه / لهجه آلمانی صحبت می کند .

همچنین رک DIALECT , SOCIOLECT

(مطالعه بیشتر: Rivers 1981 ; Trudgill) (لانگ)

acceptable alternative method / əkseptəbl ɔ:ltɜ:nətɪv məθəd/n

رک : CIOZE PROCEDURE .

acceptable word method / əkseptəbəl wɜ:d meθədɪl-ər-/ n

رک : CIOZE PROCEDURE

accommodation / əkɒmədeɪʃən ɪl əkə - / n

الف (همسانگردی جزئی^۳ اصوات مجاور که مطابق با الگوی واجی آن زبان خاص باشد مثلا " در لاتین قدیم < ag-tos > actus جائیکه (g) تحت تاثیر (t) وا گرفته میشود .^۴

1. background

2. lower middle class

3. partial assimilation

4. devoiced

4. convergence

ب) هنگا میکه شخص شیوه گفتار خود را طوری تغییر دهد تا کم و بیش شبیه گفتار مخاطبش بشود. به عنوان مثال معلم هنگا مگفتگوبا شاگردان کم سن و سال از کلمات و جملاتی با ساختار ساده تر استفاده می کند. این مورد را همگرائی^۱ می گویند.

شخص ممکن است در اثر آزرده شدن از رفتار یک فرد شهری در لهجه روستائی خود مبالغه کند. این مورد را واگرائی^۲ می گویند.

Giles & Powesland 1975: ACCENT³ همچنین رک

Giles & Powesland 1975: ACCENT³ (مطالعه بیشتر)

(لانگ، هارت)

acculturation / əknltʃə reɪʃn/n فرهنگ پذیری

فرآیند یا نتیجه برخورد فرهنگی و زبانی بین افراد دو جامعه زبانی که بوسیله قرض گیری واژگانی یا الگوهای دستوری یا دوزبانی و لغات قرضی مشخص میشود. مثلاً "بین ساکنین اروپایی در آمریکا شمالی و جمعیت بومی آنجا ویا بین گروههای نژادی. طی این فرایند تنییراتی در زبان، فرهنگ و نظام رزشی یک گروه از طریق برخورد با گروهی دیگر با زبان فرهنگ و نظام رزشی متفاوت بوجود می آید. به عنوان مثال در یادگیری زبان دوم فرهنگ پذیری نشان میدهد که چگونه گروهی (مثلاً "مهاجرینی در یک کشور) زبان گروه دیگر (مثلاً "گروه غالب) را به خوبی فرا می گیرند.

ASSIMILATION, SOCIAL DISTANCE همچنین رک

(لانگ، هارت) (Schumann 1978 (مب)

1. divergence

2. dominant group

3. direct object

4. is governed

1. convergence

2. divergence

3. dominant group

accuracy / ˈækjʊrəsi / n

FLUENCY

رک

accusative case / ˈækjuːzɪtɪv keɪs /

حالت مفعولی

صورت یک اسم یا عبارت اسمی که معمولاً نشان میدهد اسم یا عبارت اسمی در جمله نقش مفعول صریح^۱ را دارد. مثلاً "در لاتین agricolam colit agros" "کشاورز مزارع را حاصلخیزی نماید" یا اینکه اسم بوسیله حرف اضافه‌ی مشخص تحت سلطه^۲ است مثلاً "در لاتین post mortem" "بعد از مرگ". در انگلیسی این رابطه در مورد اسم

بوسیله ترتیب کلمات بیان می‌شود به عنوان مثال تفاوت بین

The boy hits the ball, the ball hits the boy.

یا به صورت خاصی در مورد ضمایر مثلاً "کلمات *him* و *me* در *I see him*

و *He sees me*.

همچنین رک CASE^۱

(مطالعه بیشتر: (Lyons 1968 : (لانگ، هارت)

achievement test / ˈætʃiːvmənt , test / n آزمون پیشرفت

آزمونی که میزان یادگیری یک زبان توسط شخص را با توجه به برنامه

آموزشی یا دوره‌ای خاص که گذرانده است، اندازه‌گیری می‌کند.

تفاوت این نوع آزمون و نوع عمومی تر آن یعنی آزمون مهارت^۳

در این است که آزمون مهارت به هیچ دوره آموزشی خاص ارتباطی ندارد.

1. proficiency test

2. listening comprehension

3. test items

1. direct object

2. is governed

3. proficiency test

به عنوان مثال آزمون پیشرفت ممکن است درک مطلب شنیداری بر مبنای یکسری مکالمات مشخص در یک کتاب درسی باشد این آزمون به معلم کمک می کند تا موفقیت تدریس خود را ارزیابی نموده و نقاط ضعف دانش آموزان خود را تشخیص دهد. آزمون مهارت ممکن است واحدهای آزمون^۲ مشابهی را بکارگیرد اما ارتباطی به هیچ کتاب یا برنامه درسی زبان ندارد. تفاوت عمده آزمونهای پیشرفت و آزمونهای مهارت زبانی در نحوه تهیه و تفسیر آنهاست . .

(مطالعه بیشتر: (Valetl 1977 (لانگ)

accoustic filtering / əku: STIK fɪltərɪŋ / n.

صافی شنیداری (اکوستیک)

(در درک مطلب شنیداری) وقتی شخص بتواند فقط برخی از صداها را گفته شده را بشنود و تشخیص دهد . .

به عنوان مثال وقتی کسی در حال فراگیری یک زبان بیگانه است اصوات گفتاری زبان مادریش ممکن است به عنوان صافی عمل کند و این باعث میشود که شنیدن و تشخیص اصوات غیر آشنا در زبان بیگانه برای او دشوار گردد . .

(م ب (Rivers 1972 (لانگ)

accoustic phonetics / əku: STIK fə netɪks /

PHONETICS رک

1. listening comprehension

2. test items